

تحلیل حقوقی جرم مزاحمت نسبت به بانوان در ایران *

رضا دانشور ثانی (نویسنده مسئول)**

اکرم انوری کاظم‌آباد***

چکیده

ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، در حالی از جرم انگاری مزاحمت نسبت به بانوان در ایران سخن می‌گوید که تمسک به آن، توسط زنان کم‌رنگ بوده و به کارگیری آن در سیستم قضایی ایران با چالش‌هایی رو به رو است. بدیهی است آمار بالای ارتکاب این جرم در جامعه، نشان از ناکارآمدی و نقص این ماده دارد. این نوشته به دنبال تحلیلی از عناصر متشکله این جرم و بررسی آن از منظر حقوقی می‌باشد که این مهم، با تأکید بر مسائل جرم شناختی و زمینه ساز صورت گرفت است. توجه به امتیازات و ایرادات این ماده قانونی و تحلیل وضعیت رسیدگی، کشف جرم و رویه قضایی از دیگر زوایای این نوشته می‌باشد.

واژگان کلیدی: مزاحمت، توهین، تعرض، پیشگیری وضعی، پیشگیری

اجتماعی، رویه قضایی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۲/۳ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۳/۱۰

** استادیار رشته حقوق و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی^{علیه السلام} العالمیه مشهد مقدس/

daneshvarsani@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، خراسان جنوبی/

akiAnvari@yahoo.com

مقدمه

قانونگذار ایران، در سیاست‌های خود نسبت به حقوق بزه‌دیده در جهت جبران آثار به جامانده از ارتکاب جرم، قدم بر می‌دارد. بزه‌دیده طبق قانون اجازه دارد، در هر زمان اقدام به طرح دعوی کند(قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸، ماده ۷۱: قضات ذی ربط و ضابطین دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می‌رسد، اگر شاکی نتواند امضا کند یا سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تدقیق می‌شود.) و سیستم قضایی و ضابطین عام و خاص به هیچ بهانه‌ای، حق ندارند از پذیرش آن خوداری نمایند. برای آنچه در هنگام ارتکاب جرم باعث صدمه به مال وی شده است اقدامه دعوی کند.(قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸، ماده ۱۱: مطالبه ضرر و زیان مستلزم تشریفات آئین دادرسی مدنی می‌باشد.) به عبارتی، در دل دعوای عمومی دعوای خصوصی خود را نیز طرح نمایند(قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۷۸، ماده ۷۴: شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از دادگاه تقاضا کند، در صورتی که تقاضای شاکی مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد دادگاه قرار تأمین خواسته را صادر نماید، این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض است). در این میان آنچه به خوبی دیده می‌شود، حمایت‌های صورت گرفته توسط قانونگذار از بزه‌دیده، بیشتر از آنکه تأثیر خود را از یافته‌های بزه‌دیده شناسی داشته باشند، الهام گرفته از مبانی فرهنگی ارزشی و دینی حاکم بر جامعه است(توجهی، ۱۳۸۸، ص ۶۳۹). سیاست قانونگذاری هر چند به سمت حمایت از بزه‌دیده است؛ اما نتوانسته است این گام را به صورت نهادینه و استوار بردارد.

به نظر می‌رسد، با بازنگری در قوانین و استفاده بیشتر از علوم جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی بتواند به خواست والای خود- که وجود هرچه بهتر و کامل‌تر قوانین است- گام بردارد.

فصل اول: عناصر تشکیل دهنده جرم مزاحمت نسبت به بانوان

جرم مذکور در این ماده از جمله جرایم علیه اشخاص می‌باشد. این جرم به تمامیت جسمانی اشخاص لطمه وارد نکرده است؛ بلکه با نقض حقوق اساسی افراد، به حیثیت، آسایش، آزادی رفت و آمد و سایر ارزشهای این چنینی صدمه می‌زند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ص ۴۷۵).

قانونگذار در برخی قوانین، با توجه به ویژگی‌ها و گاهی مقام یا منزلت مذهبی، اجتماعی، سیاسی، یا در مواردی، جنسیت، یا صغر سن را از عوامل تشدید مجازات قلمداد

کرده است؛ (مانند قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، مواد ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵). این ماده از جمله قوانینی است که در آن با توجه به ویژگی جنسیت و سن، مجازات جرم توهین و مزاحمت را شدت بخشیده است.

گفتار اول: عنصر قانونی

حمایت قانونی و افتراق جنسیتی، برای نخست بار در قوانین ایران، بند ۱۷ ماده ۳ آیین نامه امور خلافی مصوب ۱۳۳۴ صورت گرفته است که تصریح می‌کرد: «کسانی که دخترها پسرها و زن‌ها را مصراً تعقیب نمایند به حبس تعزیری از ۴ روز تا ۷ روز و از ۵۰ تا ۱۰۰ ریال غرامت محکوم می‌شوند.» البته با تلفیق این ماده با ماده ۳ قانون حمل چاقو، تعقیب مصراً نه زنان، یک نوع مزاحمت در معابر تلقی می‌شد که در این صورت ماده خلافی مذکور، فقط در مورد تعقیب مصراً پسران (نه مردان) قابل اعمال خواهد بود. (پاد، ۱۳۸۵)

لکن باید بر این نظر بود که برای اولین بار حمایت و توجه به زنان و کودکان که قشر آسیب پذیر جامعه هستند، در سال ۱۳۳۶ به تصویب قوه مقننه رسید (ماده ۳). در صورت ارتکاب این جرم در نتیجه توطئه قبلی و دسته جمعی مجازات شدت پیدا می‌کرد (ماده ۴). در پی اوضاع نابسامان آن دوره و وجود اوباش در خیابانها و ایجاد مزاحمت‌های گسترده نسبت به مردم و به خصوص زنان در شهرها، باعث شد حکومت تدبیری برای جلوگیری از این مزاحمت‌ها بیندیشد و در این قانون، به طور اختصاصی، به مزاحمت علیه زنان در یک ماده قانونی پرداخته شود.

پس از انقلاب، در تقسیم بندی انواع توهین مشدد، قانونگذار تنها در یک ماده قانونی زن و طفل بودن را از موارد تشدید جرم توهین دانسته است. در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ بیان می‌دارد: «هر کس در اماکن عمومی، یا معابر، متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود، یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید، به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

تشدید مجازات این جرم در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، در ماده ۶۲۰ قانون مجازات ۱۳۷۵ که در خصوص تشدید جرایم فصل مربوطه است، سخنی از این ماده به عمل نیامده است. برخی از اساتید معتقدند که در شماره‌گذاری مواد، اشتباهی صورت گرفته است و در توضیح آن بیان می‌دارند که، «به موجب ماده ۶۲۰ قانون تعزیرات هر چند در متن ماده به مواد ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸ اشاره شده است؛ لیکن سابقه تقنینی ماده ۶۲۰ که مبتنی بر ماده ۴ لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی است، مصوب ۱۳۳۶

می‌باشد و نیز توجه به اینکه ماده ۶۱۶ که در ماده ۶۲۰ به آن اشاره شده، به جرم قتل غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی، بی‌مبالاتی، عدم مهارت یا عدم رعایت نظامات دولتی مربوط می‌شود، تردیدی باقی نمی‌گذارد که اشاره به ماده ۶۱۶ به جای ماده ۶۱۹ صرفاً ناشی از یک اشتباه بوده و منظور مقنن، قطعاً ماده ۶۱۹ بوده است به ویژه از آن رو که با وضعیت فعلی؛ یعنی در صورتی که مقنن قصد اشاره به مواد ۶۱۶، ۶۱۷ و ۶۱۸ را می‌داشت، باید ماده ۶۲۰ را پس از ماده ۶۱۸ و به شماره ۶۱۹ در قانون می‌آورد.» (میرمحمدصادقی، همان، صص ۵۰۸-۵۰۷).

گفتار دوم: عنصر مادی

عنصر مادی جرم، شامل رفتار فیزیکی، مجموعه شرایط برای تحقق جرم و در نهایت نتیجه حاصله از جرم است که باید مورد بررسی قرار گیرد.

الف) رفتار فیزیکی

رفتار فیزیکی ارتکاب یافته می‌تواند به صورت تعرض و مزاحمت باشد. در این ماده، تعرض به معنای دست درازی است. مرتکب در عمل باید با کردار خود نسبت به زن، دست درازی کند. مزاحمت باید با انجام فعل باشد. به این معنا که فرد باید با کردار، گفتار و نوشتار نسبت به زن، ایجاد مزاحمت نماید. توهین در قسمت دوم ماده بیان شده است. رفتار فیزیکی در توهین، به کار بردن لفظ و حرکات است. رفتار فیزیکی ارتکاب یافته تنها از طریق الفاظ - اعم از شفاهی و کتبی - و نیز حرکات مانند حرکات دست و اشارات چشم و نظیر آنها را شامل می‌شود. در این توهین گفتار و کردار توهین آمیز، به نظر می‌رسد که شامل این ماده نمی‌شود و تنها الفاظ و حرکات در تعریف این ماده گنجانده می‌شود. در صورت تصریح قانونگذار به عمومی بودن محیط مجازی، می‌توان فرستادن و ارسال ایمیل را نیز در این گستره قرار داد. در این موارد، تمامی رفتار فیزیکی شامل افعال مثبت است. در اینجا تفسیر جرم توهین ضروری به نظر می‌رسد؛ به این دلیل که قسمت اعظمی از این ماده تعلق به توهین دارد و قانون و علمای علم حقوق نیز در توضیح و تفسیر ماده ۶۱۹ آن را نوعی توهین تلقی می‌کنند.

۱. بررسی جرم توهین

جرم توهین در قالب یکی از جرایم علیه حیثیت معنوی اشخاص قرار می‌گیرد. واژه توهین، به هر رفتاری دلالت دارد که بتواند به هر نحوی موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه شود، تعبیر می‌گردد (میرمحمدصادقی، همان، ص ۴۱۷). انجام این فعل از هر نظری، مذموم و ناپسند است. جرم توهین دارای اقسامی می‌باشد که به ساده و مشدد تقسیم می‌شود. توهین ساده، از طریق مواردی است که در ماده ۶۴۱

قانون مجازات اسلامی بیان شده است. (توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک، چنانچه موجب حد قذف نباشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا پنجاه تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود). در توهین مشدد، قانونگذار، گاهی با در نظر گرفتن شخصیت مورد خطاب و گاهی با توجه به سمت فرد مورد نظر مجازات را تشدید نموده است. (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، مواد ۵۱۳ الی ۵۱۵) در یک مورد قانون ایران زن بودن و یا صغیر بودن قربانی جرم توهین را از موارد تشدید این جرم برای مرتکب آن دانسته است. مجازات جرم توهین، در غیر این مواردی دارای شدت بیشتری است. هر چند در ماد ۶۰۹، توهین به مقامات مملکتی است؛ اما با در نظر گرفتن ویژگی حمایتی از زنان، شاید این امر حق خود را ادا نکرده است.

۲. بررسی جرم مزاحمت و تعرض

در بسیاری از موارد، تعرض هم معنای مزاحمت تعبیر شده است و به نوعی، زیر مجموعه آن قرار گیرد. در تعریف مزاحمت، آن را به هر فعل خشونت بار یا آزار دهنده و توهین آمیز مبتنی بر جنسیت می‌دانست که باعث آسیب روح و جسم زن می‌شد. در این تعریف از مزاحمت، به نظر می‌رسد قانونگذار، توهین عملی و فیزیکی نسبت به زن را مد نظر دارد در حالی که ممکن است این تعرض و مزاحمت بسیار شدید باشد و آثار شوم ناشی از آن بر مجنی علیه بسیار شدیدتر از مجازاتی باشد که برای آن در نظر گرفته می‌شود؛ مانند مزاحمت‌هایی که بیشتر به خشونت شباهت دارد، تا مزاحمت و با خلأ موجود در قانون، این موارد نیز با این ماده قابل تطبیق است.

اداره حقوقی قوه قضاییه، طی یک نظر مشورتی (۱۳۷۳/۸/۱۰) اعلام کرده است: هرگاه مسلم شود مردی به قصد مزاحمت در اماکن عمومی، یا معابر، زنی را تعقیب کرده و عرفاً هم عنوان مزاحمت بر آن صادق باشد، عمل وی مشمول صدر ماده ۳ لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، ماده ۶۱۹) خواهد بود و در این زمینه، فرقی بین اینکه الفاظی به کار برده، یا نه، نیست.

قانون مجازات اسلامی در خصوص مزاحمت از طریق تلفن، ماده ای را به آن اختصاص داده است (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، ماده ۶۴۱: هر گاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاه‌های مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید، علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات، مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد). در این ماده، مطلق افراد مد نظر قانونگذار است. آنچه از این ماده به عنوان مزاحمت تعبیر می‌شود، مزاحمت از نوع انجام فعل فیزیکی از طریق گفتار می‌باشد. با

توجه به آنچه در تعریف مزاحمت علیه زنان بیان شد به نظر می‌رسد، باید این مزاحمت گفتاری نیز از نوع آزار دهنده با توجه به جنسیت باشد.

ب) شرایط و اوضاع و احوال تحقق مزاحمت

۱. تحقق جرم مزاحمت، فقط در اماکن عمومی

توهین، مزاحمت و تعرض باید در اماکن عمومی صورت گیرد. در صدر ماده، اماکن عمومی و معابر، به عنوان مکان ارتکاب این جرم بیان شده است. به نظر می‌رسد، قانونگذار با استفاده از اصطلاح اماکن عمومی در این ماده، یک قسم اهانت به زنان در اماکنی بوده است که رفت و آمد یا حضور اشخاص - اعم از زن و مرد - در آنجا بی قید و شرط، یا تحت شرایط خاص برای عموم یا طبقه خاصی از مردم، به منظور استفاده‌های معین و مشترک، آزاد باشد. با توجه به قانون و تفسیر اساتید، به نظر می‌رسد در این تعریف که از اماکن عمومی صورت می‌گیرد، بسیاری از اماکن تحت پوشش قرار می‌گیرد و اماکن، بیمارستانها و درمانگاهها و... را شامل می‌شود. قید دایر بودن محل برای پیشه و کار مخصوص به موجب آیین نامه اماکن عمومی را نباید ملاک تشخیص اماکن عمومی دانست (پاد، ۱۳۸۵، ص ۳۰۷).

اما راه افراط و تفریط، نباید در پیش گرفت و اماکن خصوصی را در این تعریف جای داد، مگر آنکه به دلیل خاصی مانند آنکه فردی برای مدت کوتاهی ملک شخصی خود را به ستاد انتخاباتی خود اختصاص دهد و در آن جلسات پرسش و پاسخ از طریق دعوت عمومی برگزار نماید؛ بنابراین، صرف حضور شاهد باعث نمی‌شود مکان خصوصی تبدیل به مکان عمومی شود و نیز عدم حضور شاهد، هم باعث نمی‌شود که مکان عمومی ویژگی خود را از دست بدهد (میرمحمد صادقی، همان، ص ۴۴۳).

۲. تحقق جرم مزاحمت، فقط با توهین، تعرض و مزاحمت

در مورد توهین مذکور در این ماده، با توجه به آنچه قانونگذار معنای آن را در نظر می‌گیرد، شامل تمام موارد توهین نمی‌شود و با آوردن دو نوع از آن - که لفظ و حرکات است - اکتفا کرده است. موارد توهین به تعداد بسیاری از اعمال رفتار گفتار و حتی زد و خورد های فیزیکی نیز اطلاق می‌شود.

مجازات مذکور در این ماده، دو تا شش ماه حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق است. با توجه به قرار گرفتن این جرم در تعزیرات، به یقین نمی‌تواند تعداد ضربات شلاق بیش از این تعداد باشد. در حبس مورد نظر، تحت شرایطی اگر از حداقل تا حدی بیشتر باشد، با شرایطی قابل تبدیل به جزای نقدی می‌باشد.

شخص مرتکب، هر کس می‌تواند باشد؛ اعم از زن و مرد و با هر خصوصیتی. در عنصر مادی، انجام فعل مادی و به عبارتی، رفتار فیزیکی - همانگونه که در جرم توهین بیان شد - تفاوتی که با جرم توهین دارد، باید محل ارتکاب آن در اماکن و معابر عمومی باشد، در غیر این صورت، مشمول این ماده نخواهد بود. در جرم توهین، مخاطب آن هر کسی می‌تواند باشد؛ اما در این ماده، مخاطب تنها زن، یا طفل است. این ماده در دو قسمت بررسی می‌شود؛ ابتدا ارتکاب تعرض و مزاحمت و سپس، توهین.

آنچه در تعریف مزاحمت و تعرض ملاک است، وقوع جرم در اماکن عمومی است. با توجه به قانون و قانون استفساریه و عرف موجود، در نهایت تشخیص بر عهده قاضی دادگاه است. فرد با انجام فعل مادی، متعرض و مزاحم زنان می‌شود؛ اما در قسمت دوم ماده، جرم است. توهین در این ماده، فقط شامل الفاظ و حرکات مخالف شئون است. در حالی که در بررسی جرم توهین بیان شد که توهین، اعمال، رفتار و گفتار و بسیاری را شامل می‌شود. در این ماده، مرتکب جرم در صورتی به اتهام توهین تحت تعقیب قرار می‌گیرد که از طریق لفظ یا حرکات مخالف شئون و حیثیت، این جرم را مرتکب شده باشد.

ج) نتیجه حاصله

این جرم، مقید نبوده است و جرم مطلق، محسوب می‌شود؛ بنابراین، صرف ارتکاب از ناحیه مرتکب جرم سوای اینکه مزاحمت تعرض و توهین در مخاطب جرم تاثیر گذار بوده و یا اینکه اثری بر وی متحمل نشده باشد، این جرم محقق شده است. صرف اینکه رفتار و عمل فرد شامل موارد مذکور در ماده باشد، برای مجرم شناخته شدن فرد کافی می‌باشد.

گفتار سوم: عنصر روانی

عنصر روانی، اصل در قوانین جزایی عمدی بودن جرم است و تنها در موارد استثنایی، به دلایل مختلف - از جمله حفظ مصالح عمومی - جرم غیر عمدی محسوب می‌شود. در جرایم علیه تمامیت جسمانی بیان شد که در این جرایم، علاوه بر عنصر عمد، بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی، می‌تواند موجب مسئولیت مدنی شود. علاوه بر عمدی بودن مرتکب در قسمت دوم ماده که مبحثی از توهین است، باید از موهن بودن لفظ و حرکات خود آگاه باشد؛ یعنی با علم به آن، جرم را مرتکب شود. سوء نیت عام برای تحقق کافی است و لازم نیست، مرتکب سوء نیت خاص داشته باشد. یعنی به هر علتی - اعم از اینکه قصد آزار و اذیت، یا تحقیر فرد را داشته یا نداشته باشد - این جرم، محقق می‌شود و انگیزه نیز در ارتکاب جرم مؤثر نمی‌باشد.

گفتار چهارم: امتیازات و ایرادات ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی

هر ماده که در قانون مجازات به تصویب می‌رسد، در پی حل مشکلات و مسائل ناشی از ارتکاب جرم مربوط به آن است. در تحلیل مواد قانونی، باید نقاط ضعف و قوت، ایرادات و امتیازات آن بر شمرده شود تا بتوان از کارایی قانون اطمینان حاصل کرد و با شناخت آن تلاش کرد تا هر چه بهتر و مفید تر ارائه شود. اگر نیازمند تکمیل است، این مهم انجام گیرد و در صورتی که در طول زمان به حالت یک قانون تشریفاتی در آمده، از شمارش قوانین کم شود؛ چرا که قانون، نه بیش از آنچه اقتضا دارد و نه بیش از آنچه عدالت می‌خواهد، لازم نمی‌باشد.

الف) امتیازات

زنان، به دلیل شرایط اجتماعی و در برخی موارد، گستاخی افراد مختلف و گاهی به علت ضعیف شمردن خود، خواستار حمایت ویژه که گاهی از طریق همسران، پدران، برادران، یا از طریق افراد جوانمرد و گاهی، مهم تر از طریق خود سیستم قضایی، مورد توجه و احترام و در نهایت، آسایش قرار گیرند، به این علت است که کم ترین اقدام در این خصوص گاهی مورد استقبال عده ای از آنان قرار می‌گیرد.

۱. حمایت از زنان

مهم ترین علت در تصویب این ماده در قانون مجازات، حمایت از زنان که قشر آسیب پذیر جامعه هستند، بیان شده است. زنان، به دلیل داشتن خصوصیات جسمانی و روحی، بیشتر از مردان آسیب پذیرند و معمولاً قدرت دفاع از خود را ندارند؛ بنابراین، قانونگذار حمایت جدی تری از ایشان به عمل آورده است (زراعت، ۱۳۷۷، ص ۳۱۴).

در نظر سنجی که صورت گرفت، عده ای از زنان - که بیشتر خانه دار بودند- بر این عقیده بودند که حمایت قانونگذار از آنان، امری است که باعث دلگرمی آنان است. ساختار وجودی زن، نیازمند این نحوه حمایت است؛ زیرا آنان، قادر نیستند در برابر افراد لابلایی در اجتماع از خود دفاع کرده واز شر آنان ایمن باشند. در بیشتر زمانها، خروج آنها از منزل همراه با اطفالشان است و بیشتر برای رفع حوایج روزانه خود، ناچار با این مجرمان مواجه می‌شوند و این آزار و اذیت در مقابل دید فرزندان، وحشت و ترس فراوانی را در ایشان ایجاد می‌کند.

اما در میان قشر دانشجوی و زنانی که شاغل هستند، حسن این ماده قانونی - به دلیل احترام به شخصیت زن - ارزیابی می‌شود. این افراد معتقدند که در موارد بسیاری، قادر به حمایت از خود می‌باشند و در مواردی که ضعف دارند، می‌توانند با آموزش سیستم فیزیکی

بدن خود را، ارتقا دهند. در هر صورت، در میان بیشتر اقشار زنان از لحاظ روحی، به زنان حس توجه و احترام به نوعی القا می‌شود.

زنان، به دلیل ویژگی‌های که در فطرت و ذات خود دارند، این حجب و حیا برای آنان ضروری است و حفظ این حیا از جانب اجتماع برای آنان، امری اجتناب ناپذیر است؛ زیرا اگر در گذشته، مردان به دلیل ساختار جامعه می‌توانستند بهتر و قوی‌تر از زن، از خود دفاع کنند، امروزه حضور زن در اجتماع و پذیرفتن سیمت‌های مدیریتی و مشاغل اساسی در کشور این نگاه و علت را در خود نبیند؛ اما رعایت ادب و احترام نسبت به این قشر، امری است لازم که همه، ملزم به رعایت شئون زنان و دختران می‌باشند و نیز بهتر به نظر می‌رسد؛ حتی این حمایت از مردان نیز صورت گیرد.

۲. گستردگی قلمرو نسبت به مرتکبان

از دیگر امتیازات این ماده، اختصاص عام، آن به مرتکبان زن و مرد است. در بسیاری موارد، شاهد هستیم که زنان نیز از مزاحمان مرد سبقت می‌گیرند. مخصوصاً در مواردی که در پی تعقیب فرد می‌افتند. در این پرسشنامه که از تعدادی از زنان به عمل آمد، در حدود ۳۰ درصد از آنان از مزاحمان زن نیز ابراز نگرانی داشتند؛ اما تفاوتی که با مردان داشت، اغلب آنان از افرادی بودند که از لحاظ مالی یا فرهنگی در فقر شدید بسر می‌بردند و اکثریت آنان، معتاد به مواد اعتیاد آور گوناگون بودند. این نگرانی در بین زنان نسبت به پدران، برادران و یا پسران آنان نیز دیده می‌شد و بسیاری از آنان، خواستار حمایت قانونگذار از مزاحمان این چینی نسبت به مردان نیز بودند.

لازم به ذکر است که زنان سود جو و اخاذ در اماکن عمومی یا معابر برای مردان نیز ایجاد مزاحمت می‌نمایند تا آبروی کسی را لکه دار کرده یا اخاذی نمایند (زراعت، ۱۳۷۷، ص ۳۱۵) که ارتکاب آن علیه مردان، مشمول این ماده نخواهد شد.

ب) ایرادات

در مراحل تصویب قوانین سعی می‌شود دقت لازم از سوی ارائه دهندگان صورت گیرد. بسیاری و یا حتی - قریب به اتفاق قوانین، پس از اجرا و در طول سالیان، به دلایل متفاوتی دچار نقص می‌شوند؛ زیرا جامعه بشری به طور پیوسته، در تکامل است. در نتیجه، بازنگری در قوانین، امری اجتناب ناپذیر است.

۱. ابهام در تبیین برخی لغات

در بحث محل ارتکاب جرم، این ایراد وجود دارد که «اماکن عمومی»، دارای تعریفی از جانب قانونگذار نمی‌باشد. در چند ماده قانونی که به دلایلی از اماکن عمومی صحبت

می‌کند، تمامی آن‌را شامل نمی‌شود و بسیاری از اماکن را بدون تعریف باقی می‌گذارد. اختلاف نظر در میان حقوقدانان، به خوبی نمایان است و تمامی این موارد، به دلیل عدم تعریف کامل و جامع از اماکن عمومی و معابر توسط قانون، می‌باشد. باید با تدوین قانونی که در آن ویژگی‌های مکان عمومی و معابر به نحوی جامع بیان شده است، نقص از قانون برداشته شود و گرنه، قاضی و مجنی علیه را در برزخی قرار می‌دهد که در شناسایی آن دچار تردید شوند. در جرایم رایانه‌ای، در بیشتر کشورها محیط کاربری اینترنتی را مکان عمومی می‌دانند. در ایران این مهم اندیشیده نشده است و هر روز، شاهد مزاحمت‌های فراوانی از ناحیه کاربران آن علیه زنان و دختران می‌باشیم.

در این ماده- که قانونگذار در حمایت از زنان آن را به تصویب رسانده است- به این مهم باید واقف بود که هر نوع توهین به زن، به دلیل حفظ ادب و نزاکت اجتماعی برای وی مهم است. ممکن است فردی با توهین و ضرب و جرح، حتی طلب خود را از زن مطالبه کند که مواردی از این دست در محدوده ماده مذکور نمی‌باشد و متأسفانه، در این موارد، زن در کنار اطفال محسوب شده است.

تعرض، توهین، و مزاحمت سه عنصر مادی متفاوت هستند که می‌توانند مستوجب مجازات‌های متعدد باشند؛ اما اگر هر سه یا دو تای آن به وسیله یک نفر رخ دهد، چنانچه مجنی علیه نیز یک نفر باشد، از علل تشدید مجازات خواهد بود. قانونگذار در این ماده در حمایت از زنان، خواسته است به جرم توهین شدت بخشد؛ لیکن شاهد این امر هستیم که با آوردن سه جرم در این ماده علیه یک نفر، با مجازاتی که در نظر گرفته، از هدف خود باز مانده است؛ زیرا در صورتی که این جرایم با مواد گوناگون تطبیق داده می‌شود، شدت برخورد قانونی بسیار بازدارنده‌تر می‌نمود.

۲. محدود بودن دامنه ماده نسبت به محل ارتکاب

فارغ از شناسایی مکان عمومی از طریق قانونگذاری، باید بیان داشت که مزاحمت علیه زنان، تنها در اماکن عمومی روی نمی‌دهد؛ بلکه در بسیاری از اماکن خصوصی، نیز این جرم رخ می‌دهد. طبق آماري که از حدود ۵۰٪ زن و دختر صورت گرفت، ۷۰٪ از آنان در اماکن خصوصی، اعم از کاری و علمی، مورد مزاحمت قرار گرفتند که متأسفانه قانون در مورد آن و نحوه اثبات آن، تدبیری ندارد و آن را نیز شامل انواع مزاحمت قلمداد می‌کند.

تعرض، به معنای دست درازی و- احتمالاً- مزاحمت جسمانی است و مزاحمت، به معنای ایجاد زحمت و رنج برای دیگری است و منظور، کسی است که با رفتار و کردار خود، اطفال و زنان را به زحمت انداخته و آزادی ایاب و ذهاب آنان را محدود کند. در این تعریف، این ایراد نمایان است، مواردی که قانون آنها را شامل این مجازات دانسته، به نظر عادلانه و

کافی از نقطه نظر حقوقی نمی‌باشد و زمانی که عملی مجرمانه خفیف و شدید دارای یک مجازات است، این امر باعث نوعی تشویق نسبت به مزاحمان نوامیس محسوب می‌شود.

توهین مقرر در این ماده نیز- همانگونه که بیان شد- تمامی موارد را شامل نمی‌شود و به طور محصور، تنها لفظ و حرکات را در خود جای داده است.

۳. اجمال در شرایط و اوضاع و احوال

نکته قابل تأمل دیگر این است که به کار بردن این الفاظ و حرکاتی که مشمول توهین در این ماده است، باید مخالف شأن و حیثیت باشد. در جرم توهین، اطلاع مرتکب از رفتار و گفتار توهین آمیز، شرط لازم برای تحقق بود. آیا در اینجا اگر مرتکب نداند عمل وی توهین آمیز است، این جرم تحقق می‌یابد؟ آیا صرف اینکه مجنی علیه بداند این الفاظ و حرکات توهین آمیز می‌باشد، کافی است؟ این سؤال پیش می‌آید که اگر اطلاع فرد شرط باشد، دیگر کاری از مجنی علیه ساخته نیست و این امر خود، راه فراری برای مجرم تلقی می‌شود که برای دفاع از خود، عدم اطلاع خود را، به عنوان دلیل، ابراز نماید. اگر این مهم به دست مخاطب این جرم باشد، پس جرم توهین با تحلیلی که حقوقدانان از آن به عمل می‌آورند، محقق نمی‌شود.

دکتر میر محمد صادقی، شرط ارتکاب این جرم را، توهین مغایر شئون دانسته و بیان می‌دارد: توهین به یک روسپی، از مصادیق این جرم نمی‌باشد و در صورت وجود شرایط، شامل توهین ساده خواهد بود. (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷، ص ۴۷۹). قانونگذار، از لفظ و حرکات مخالف شئون و حیثیت نام برده است. آنچه به معنای شأن و حیثیت است، باز هم به دست عرف سپرده شده و باز هم در مقابل اصل عدم تفسیر موسّع است. سؤالی در اینجا پیش می‌آید، آیا شأن زن و حیثیت او، مدنظر قانونگذار بوده است؟ آیا در قانون تعریفی از شأن و حیثیت ارائه شده است؟

۴. ناکافی بودن میزان مجازات جرم مزاحمت

در انتهای این ماده، مجازات جرم مطرح شده است. مجرم به حبس از دو تا شش ماه و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. در ماده ۳ قانون مجازات حمل چاقو و انواع اسلحه سرد، مجازات مرتکب ۲ تا ۸ ماه در نظر گرفته شده بود که در قانون فعلی، شاهد تخفیف در مجازات می‌باشیم. آنچه در سیاست تقنینی بیان شد، در آن قانونگذار در یکی از اهداف خود به دنبال جبران خسارت وارده به مجنی علیه می‌باشد. از دیگر اهداف مجازات، بازدارندگی است. در مورد مجازات مذکور در ماده ۶۱۹ با توجه به این امر که حداقل مجازات آن، کمتر از ۹۱ روز و حداکثر آن، بیش از ۹۱ روز است، اداره حقوقی قوه قضاییه طی یک نظریه مشورتی اشعار داشت: نظر به اینکه مجازات حبس مندرج در ماده ۶۱۹

قانون مجازات اسلامی منطبق با بند ۲ ماده ۳ قانون وصول بری در آمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین می‌باشد، توجهاً به ماده مرقوم، دادگاه مخیر است که به بیش از ۳ ماه حبس یا جزای نقدی از ۷۰۰۰۱ ریال تا ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال حکم بدهد، ولی چون در ماده ۶۱۹ علاوه بر مجازات حبس، شلاق نیز عنوان شده؛ لذا در مقام تخفیف در این قسمت دادگاه می‌تواند، حسب مورد و اوضاع و احوال و شرایط خاص متهم، بر طبق ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۰ (دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه، مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب تر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از: ۱- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی؛ ۲- اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکا و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده است مؤثر باشد... ۳۸ فعلی (قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، ماده ۳۸: جهات تخفیف عبارتند از: الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله و... عمل نماید (نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۹۹، مورخ ۱۳/۶/۱۳۷۶) در این رابطه در حال حاضر مفاد ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، (مرتکبان جرایم عمدی که حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است، به جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند، مگر اینکه به دلیل ارتکاب جرم عمدی، دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد: الف- بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس تا شش ماه یا جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال یا شلاق تعزیری ب- یک فقره سابقه محکومیت قطعی به حبس بیش از شش ماه یا حد یا قصاص یا پرداخت بیش از یک پنجم دیده،) قابل توجه است. (میر محمدصادقی، همان، ۵۰۶).

مکاتب جرم‌شناسی، در راستای مفید بودن مجازات، یکی از علل مجازات را نه شدت بخشیدن به آنها؛ بلکه حتمی بودن آن می‌دانند. در این نظریه که از اداره حقوقی بیان می‌دارد، به خوبی نمایان است که این مهم نادیده گرفته شده است. تبدیل مجازات به نوعی خفیف تر، تنها اثر آن در مرتکب جرم عمدی- آن هم جرایم علیه حیثیت افراد- تنها منجر به گستاخی و جری شدن مرتکب دارد.

با توجه به ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲- که در مقام تخفیف مجازات مطرح شده است- باید بر این نظر بود که این نوع نگارش در ماده، به نوعی جرم خیز است و باعث برداشت‌های متفاوت از آن می‌شود. در بند «پ» این ماده، سخن از اوضاع و احوال جرم است. (اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم؛ از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم.) در این خصوص

می‌توان مواردی را بیان داشت که در آنها زن به دلیل نوع پوشش خود مقصر شناخته می‌شوند. عده‌ای بر این نظر هستند که کوتاهی زنان در برخی موارد، باعث تحریک مردان می‌شود. این نوع تفکر در میان اقلیت مختلف جامعه از جمله قضات محترم نیز دیده می‌شود و با این نگاه زن را مقصر اصلی می‌دانند؛ اما باید بیان داشت، معمولاً اغلب مزاحمت‌ها با نیت و قصد قبلی صورت می‌پذیرد و لذا نمی‌توان گفت که همواره زنان به عنوان مقصر می‌باشند هرچند که پوشش را رعایت نکرده باشد، این مجوز را برای مزاحمت نمی‌دهد؛ چرا که در مزاحمت، تعدی به حریم فرد صورت می‌پذیرد و این نگاه به طور مطلق، امنیت جامعه را در معرض خطر قرار خواهد داد. اگر قاضی دادگاه بخواهد از این تفکر استفاده کند، می‌تواند آن را با این بند تطبیق دهد و مجرم را بری از مجازات و ارتکاب این جرم بداند. شاید بهتر این باشد که با در نظر گرفتن حقوق فردی و حریم افراد، این بند را در این جرم مبذول ندارد.

ماده ۶۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، باز هم قانونگذار از در لطف و دید بخشش به بزه‌کار می‌نگرد. اگر قاضی بخواهد به حد اکثر مجازات نیز مجرم را محکوم نماید، با ارجاعی که به این ماده داده می‌شود، باز هم مجرم از تنبیه و تنبیه می‌گریزد. متأسفانه، با شکسته شدن قبح این عمل زشت در جامعه، هر فردی به راحتی می‌تواند با حضور در جامعه موارد ایجاد مزاحمت برای بانوان را مشاهده کند.

پیامدی که این دیدگاه‌ها در جامعه ایجاد می‌کند، جز تحقیر زن، کوچک شمردن و انزوای وی نیست. به دفعات مشاهده می‌شود، چنانچه زن شاکی باشد، ممکن است با انواعی از توهین‌ها و اتهامات جدید- مبنی بر اینکه خودت مقصر هستی؛ زیرا پوشش و پوشش لازم و هنجارها را رعایت نکرده‌ای- مواجه هستیم. در اینجا قربانی و بزه‌کار جایگاهشان عوض می‌شود. طبیعی است که ذینفع، از پیگیری و شکایت منصرف شود.

قربانی جرم- که دچار تالم و رنج درونی است و در بیشتر موارد، عمل مرتکب آبروی وی را نیز تهدید کرده است- با این مجازات، جبران نشده باقی می‌ماند.

جبران خساراتی که در تعاریف قانونی از آن به عنوان خسارات معنوی یاد شده، نیز در این ماده اثری دیده نمی‌شود. در بیشتر موارد نیز شاهد هستیم که حبس به جزای نقدی، تبدیل و شلاق نیز- چون تعزیری می‌باشد- آن هم تبدیل می‌شود. در نهایت، بروز خارجی که در عمل افزایش بی‌شمار مزاحمت‌ها می‌باشد، ناکارآمدی این مجازات را نشان می‌دهد. شاید این مجازات، با توجه به مقتضیات زمان تصویب و علل اجتماعی آن، موقع مفید به نظر می‌رسید؛ اما در حال حاضر، کارآمدی خود را از دست داده است.

فصل دوم: نحوه رسیدگی و رویه قضایی

پس از شناسایی و شناخت جرایم، آنچه دارای اهمیت ویژه می‌باشد، این مهم است که نحوه رسیدگی - اعم از تحقیقات، کشف، اثبات و...- به چه صورت دنبال می‌شود؛ زیرا هر قدر قوانین ماهوی کامل باشد، اما در قوانین شکلی کاستی وجود داشته باشد، یا در اجرا نقص و کم کاری باشد، تمامی تلاش قانونگذار قوانین ماهوی راه، را بیهوده پیموده است.

گفتار اول: مرحله کشف جرم

در نخستین گام، جرم باید کشف شود. نحوه کشف در این جرم، شکایت شاکی می‌باشد، یا اگر جرم در منظر عموم شکل گرفته باشد و در همان لحظه، ضابطین دادگستری، مانند نیروی انتظامی، در محل حاضر باشد و به نوعی جرم در قالب «جرائم مشهود» قرار گیرد، اگر مأمورین گزارش جرم را تهیه نمایند، باید شاکی نیز حضور داشته باشد؛ زیرا در غیر این صورت، نحوه اثبات صحت گزارش بر عهده مأمور مربوطه است.

با توجه به آنچه در جامعه رخ می‌دهد، به خوبی هویداست که تعداد شکایات این جرم به شدت پایین است. فرد قربانی، به دلایل مختلف، از شکایت کردن - که مرحله اول پروسه رسیدگی است - خودداری می‌کند. در بسیاری موارد نیز که این جرم به صورت مشهود صورت می‌گیرد و گزارش توسط مأموران ذی صلاح، تهیه می‌شود از ادامه روند رسیدگی که باید تأیید و پیگیری شاکی باشد، نیز ممانعت می‌نمایند. در نتیجه، رسیدگی در آغازین حرکت خود باز مانده و وارد مراحل بعدی نمی‌شود.

گفتار دوم: مرحله تحقیق و تعقیب مجرم

پس از کشف جرم، مراحل تحقیق از متهم و شاکی و پس از آن تعقیب متهم باید انجام پذیرد. شاکی، شکایت خود را از طریق ضابطین - که در عموم جرایم کلانتری‌ها می‌باشند - مطرح کرده و توسط کلانتری، به مجتمع قضایی هدایت می‌شود تا در صورت تأیید و کافی بودن دلایل، تحقیقات با ارجاع مرجع قضایی صورت پذیرد. در نوع مشهود آن، نیاز به این پروسه نیست و مأمور، می‌تواند با گزارش خود، صحت گفتار شاکی را تأیید نماید. این مرحله یکی از مهم ترین مراحل می‌باشد. در اینجا متهم باید شناسایی شود و بعد احضار شود. اما مسئله مهم این است که در موارد غیر مشهود، فرد قربانی چگونه می‌تواند فردی را در خیابان یا دیگر اماکن عمومی، مورد شناسایی قرار دهد؟ در صورتی که متهم مرتکب جرم مشهود شده باشد، مأمور مربوطه می‌تواند با اختیاراتی که دارد فرد را تحت الحفظ به مراجع قانونی بفرستد در اینجا متهم مجبور خواهد بود هویت خود را بروز دهد و در نتیجه هویت او شناسایی می‌شود. در این موارد گزارش مأمور ذی صلاح همراه با شکایتی که پیرو آن از طریق شاکی اعمال می‌شود، پروسه رسیدگی براحتی می‌تواند سرعت گیرد. تحقیق و

تعقیب متهم به جرم در مرحله مقدماتی، روند مناسبی را طی می‌کند؛ اما در صورتی که شاکی خود بخواهد طرح دعوا نماید، باید متهم را شناسایی نماید. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چگونه فردی در مکان عمومی می‌تواند شناسایی شود و هویت وی را محرز گردد؟ تنها راه این است که با دادن مشخصات، آن هم به دلیل شرایط واقع شده بر زن، اگر توانسته باشد با شرایط روحی که بر وی غالب گشته است مطلبی را به ذهنش سپرده باشد، همراه با شهود واقعه طرح دعوا کند. در اغلب موارد مزاحمین به صورت دو یا چند نفر نیز این جرم را مرتکب می‌شوند. در این حالت، اطراف قربانی به نحوی احاطه می‌شود که کمتر کسی می‌تواند شاهد ارتکاب از ناحیه مزاحم یا مزاحمین باشند و تنها شاهد این امر خواهند بود که سخنی از باب تحمل ناپذیری از جانب قربانی شنیده می‌شود که این، بیش از خود جرم، توجه را جلب خواهد کرد. متأسفانه، در بیشتر موارد با وجود رؤیت این جرم، کسی حاضر به شهادت و یا به نحوی جلوگیری از ارتکاب این جرم در میان عموم مردم نمی‌باشد. در صورت تکمیل شکایت همراه با شهود قانونی، متهم توسط مرجع قضایی احضار می‌شود و به بیان دیگر، تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

گفتار سوم: نحوه رسیدگی به جرم مزاحمت

پس از احضار متهم، رسیدگی آغاز می‌شود. در تمامی جرایم، اکثر مرتکبان سعی در انکار جرم انتسابی دارند. این جرم نیز، تابع همین قاعده است. مرتکب پس از انکار و حتی، در مواردی که گزارش مأموران در پرونده موجود است، عمل خود را توهین و مزاحمت نه، بلکه تذکری به جا به رفتار یا حرکات و یا اساساً حضور زن در محیط اجتماع، به بهانه عدم رعایت هنجارهایی که در نظر خود مرتکب عمل جرم‌هایی دیگر می‌تواند باشد، بیان می‌کنند. مانند آنکه چرا پوشش نامناسب بر تن دارد و یا اینکه در ساعتی نامناسب، در خیابان حاضر شده است و... در رسیدگی به این جرم، باید مرتکب علاوه بر عقل بلوغ و قصد، آگاه به توهین آمیز بودن رفتار ارتكابی نیز باشد؛ یعنی بداند که الفاظ و حرکات وی نسبت به مجنی علیه وهن آور است. پس در صورت انکار علم و آگاهی، با از میان بردن رکن معنوی، بزه قابل انتساب نخواهد بود. در این ماده، سه جرم مزاحمت، تعرض و توهین، در مرحله رسیدگی و اثبات راه بسیار دشواری را در پیش رو دارد. تنها در حالی که این جرایم در بروز خارجی خود به وقاحت برسد، به نحوی که افکار جمعی را جریحه دار کند، مانند زمانی که گستاخی متعرض نظر بسیاری از افراد اطراف قربانی را به خود جلب می‌کند، شایسته رسیدگی شمرده شود. در توهین نیز، باید آگاهی مرتکب اثبات شود و در مزاحمت نیز، اثبات آن دشوار می‌نماید.

نتیجه گیری

۱. عدم کار آبی مفید ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی

عدم تأثیر وجود ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، در میزان این جرم و بالا بودن آمار ارتکاب بزه کاری، عدم گزارش بزه‌دیدگی و حمایت ناقص و معیوب از حقوق زنان، عللی است که این ماده به نظر نگارنده مفید واقع نشده و لزوم تکمیل آن، با توجه به قصد و هدف قانونگذار از وضع چنین ماده‌ای، احساس می‌گردد.

نه زنان در جامعه ایران، از این ماده به جز شرایط خاص و استثنایی استفاده می‌کنند و نه مأموران قضایی و انتظامی، به زنانی که مورد مزاحمت قرار گرفته‌اند، به چشم بزه دیده می‌نگرند. ترس از برخورد مزاحم با شخصی که امر به معروف می‌کند و گاهی مسائل جانبی، باعث می‌گردد حرکتی از سوی مردم در جامعه صورت نگیرد و فقط نظاره کنندگان وقوع این جرایم در جامعه افزایش یابد. ایرادات در تبیین لغات و گستره ماده، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال انطباق ماده قانونی با عملی که عرفاً هتاک نسبت به حیثیت زنان محسوب می‌شود، غیر قابل انکار بوده و همین امر، باعث می‌گردد که در نگارش ماده، به اهداف منظور نظر دست نیافته‌ایم.

۲. عدم هماهنگی هدف قانونگذار با خواسته های جامعه، به ویژه بانوان

رشد زنان در جامعه و به دست آوردن جایگاه‌های عالی کشوری و علمی، باعث شده است تا دیگر زنان جامعه امروز با زنان بیست سال گذشته، قابل مقایسه نباشند. بالارفتن آگاهی و اطلاعات زنان و آشنایی با دیدگاه‌های فمینیستی، زنان را از پذیرش برخی از تبعیضات جنسیتی در حقوق خود قانع نکرده و عملاً اعتقادی به برخی از عدم برابری‌ها میان مرد و زن، و جهت‌چندانی ندارد. این مسئله به جایگاه زنان در جامعه نظر دارد و برخی از قوانین، باعث گردیده است تا زنان نسبت به مرجع قانونگذاری و مراحل قانون‌نگاری، خود را بیگانه سازند.

واکنش اجتماعی نسبت به این جرایم، مسئله پیشگیری وضعی و اجتماعی است که توجه به بزه‌کاری، بزه‌دیدگی و وضعیت مجرمان، از اصول اساسی به شمار می‌رود. دفاع اجتماعی مورد نظر در نظریات سزادهی نیز اهدافی بر پایه عدم تکرار و کاهش آمار جنایی را دنبال می‌کند که این مهم در ماده مورد نظر، چندان دیده نمی‌شود.

۳. لزوم توجه بیشتر به مسائل فرهنگ‌ساز و اقدامات پیشگیرانه

برخورد ناشایست برخی از مأموران قضایی و انتظامی، اطلاع نداشتن زنان از حقوق خود، عدم اطلاع بانوان از نقش خود در بزه‌دیدگی، آموزش ناکافی، فاصله داشتن با مقدمات

پیشگیری وضعی و اجتماعی از جرایم، عدم توجه به نیازها و وضعیت مجرمان (نسل جوان) و...، همگی، نشان از آن دارد که مطالب فرهنگی و آموزشی، باید پیشرفت کرده و زنان و مردان را در ضرورت توجه به این موارد دخیل ساخت.

هر طیف از افراد جامعه، در آفرینش این جرم سهیم می‌باشند. قوه مقننه، با تصحیح قوانین و تدوین برنامه‌های متکی بر اصول و قواعدی که مورد اجماع بوده و بر پایه دموکراسی باشد، نقش خود را ایفا می‌کند. قوه مجریه نیز، با اشکالاتی که در عرصه اقتصادی و سیاسی موجود است، دست و پنجه انداخته و برنامه‌های مربوط به ارتقای سطح فرهنگ و معیشت را سرعت می‌بخشد. قوه قضاییه نیز، هم به قضات و هم به ضابطین خود، مسائل اخلاق مدار را خاطر نشان کرده و برای پیشگیری از این جرم، می‌تواند برنامه دهد. رسانه ملی نیز با ارائه برنامه‌هایی جذاب، می‌تواند به مقابله با این جرم بپردازد.

بدیهی است توجه به مسائل فرهنگی برای مدت زمان کوتاه نبوده و افراد به دنبال زود بازدهی نیستند؛ بلکه هدف در برنامه‌هایی برای فرهنگ، مسئله پایداری و درستی آن است که همراه با فرد رشد کرده و همه جامعه را به آن تشویق می‌نماید. از مقدمات این امر نیز، توجه به آزادی بیان، افزایش سعه صدر، افزایش سطح انتقادپذیری، دموکراسی و شایسته سالاری در تدوین و اجرای قوانین می‌باشد.

پیشنهادات

۱. عدم توجه به متغیر جنسیت در حمایت ویژه از زنان و برابر سازی زنان با مردان در حقوقی که جنسیت به عنوان معیار تلقی نمی‌گردد. مانند برابری در دیه، سهم الارث، ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی و مساله ممنوعیت تعدد زوجات، مگر در شرایط خاص. اهمیت این امر، به ساختار فکری جامعه بازمی‌گردد که در تبیین جایگاه افراد نقش به سزایی در جامعه دارد.

۲. ایجاد پایگاه جمع‌آوری داده‌های اطلاعاتی و تبیین سیاست‌گذاری‌ها بر پایه وجود سیستم آماری برای یافتن میزان بزه کاری و بزه‌دیدگی و برنامه ریزی بر پایه آمارها.

۳. اتخاذ تدابیر آموزشی برای بانوان برای آشنایی با حقوق خود.

۴. اتخاذ تدابیر آموزشی برای بانوان و مردان برای تحلیل نقش هر یک در جرایم.

۵. توجه به معیارهای اخلاق اسلامی و به کارگیری آنان، توسط مأموران قضایی و انتظامی در رفتار و گفتار خود با زنان بزه‌دیده.

۶. اجرای راهکارهای پیشگیری اجتماعی رشدمدار و جامعه‌مدار در نظام آموزشی و نظام اجتماعی با توسل به نقش رسانه ملی و کتابها.

۷. استفاده از همه پرسی در تدوین قوانین مربوط به بانوان از خود بانوان مفید است. این امر، گرچه مستلزم هزینه است؛ ولی به جایگاه و وضعیت زنان، بهتر کمک خواهد کرد. امری که از طریق فرم نظرسنجی در این پژوهش پیگیری شد و نظراتی از طرز فکر زنان را به همراه داشت.

۸. رفع ایرادات مطرح شده در نگارش ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی و توجه به معیارهای متناسب با نگاه جامعه در تدوین قوانین.



فهرست منابع

الف - کتاب‌ها

- ✓ آخوندی، محمود، (۱۳۸۶)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول کلیات؛ دعاوی ناشی از جرم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ✓ پاد، ابراهیم، (۱۳۸۵)، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم نسبتبه اشخاص (صدمات جسمانی و صدمات بدنی)، تهران: دانشگاه تهران.
- ✓ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۲)، ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.
- ✓ حاجی تبار فیروز جانی، حسن، (۱۳۹۱)، بزه‌دیده شناسی حمایتی افتراقی (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی)، تهران: جنگل.
- ✓ خالقی، علی، (۱۳۸۸)، آیین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش.
- ✓ _____، (۱۳۹۰)، علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری)، تهران: سمت.
- ✓ _____، (۱۳۸۴)، زن و حقوق کیفری (مجموعه مقالات، نتایج کارگروه‌های و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری؛ گذشته، حال و آینده) تهران- آذر ۱۳۸۳ (زیر نظر نسرين مهرا)، تهران: سلسبیل.
- ✓ زراعت، عباس، (۱۳۷۷)، شرح قانون مجازات اسلامی، بخش تعزیرات، تهران: فیض.
- ✓ زکوی، مهدی، (۱۳۹۰)، بزه‌دیدگان خاص در پرتو بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- ✓ صادقی، محمدهادی، (۱۳۸۷)، حقوق کیفری اختصاصی (۱)، جرایم علیه اشخاص، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ✓ صفاری، علی، (۱۳۹۱)، مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی، تهران: جنگل.
- ✓ عبادی، شیرین، (۱۳۸۵)، حقوق زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران، تهران: گنج دانش.
- ✓ گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۶)، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- ✓ لپز، ژرار. ژینا فیلیزولا، (۱۳۸۸)، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح الدین کرد علیوند و احمد احمدی. تهران: مجد.

- ✓ محسنی، مرتضی، (۱۳۷۵)، دوره حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش.
 - ✓ معتمدی، غلامرضا، (۱۳۷۷)، قوانین و مقررات مربوط به زنان در ایران، تهران: ققنوس.
 - ✓ مهرپور، حسین، (۱۳۸۷)، مباحثی از حقوق زنان از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی، تهران: اطلاعات.
 - ✓ میر محمد صادقی، حسین، (۱۳۹۲)، حقوق کیفری اختصاصی (۱)، جرایم علیه اشخاص، تهران: بنیاد حقوقی بنیاد حقوقی میزان.
 - ✓ نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمیدهاشم بیگی، (۱۳۹۰)، دانشنامه جرم شناسی، تهران: گنج دانش.
 - ✓ نوربها، رضا، (۱۳۸۵)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش.
 - ✓ وظیفه، علیرضا، (۱۳۹۱)، جنسیت و بزه‌کاری با نگاهی به قوانین کیفری ایران، تهران: کتاب آوا.
- ب- مقالات، پایان نامه‌ها و کارهای تحقیقی
- ✓ آشوری، محمد و ابوالقاسم خدادای، (۱۳۹۰)، حقوق بنیادین بزه‌دیده در فرایند دادرسی کیفری، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید، شماره ۲.
 - ✓ اسکندری، عبدالکریم، (۱۳۸۷)، راه‌کارهای حمایت از بزه‌دیدگان، ماهنامه معرفت، شماره ۱۳۴.
 - ✓ اشراقی، رضا، (۱۳۸۳)، بررسی اجتماعی و حقوقی مزاحمت، فصلنامه بصیرت، شماره ۳۵.
 - ✓ افشاری، محمد، (۱۳۸۷)، تقریرات درس حقوق جزای اختصاصی (۲ و ۳)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد.
 - ✓ سلجوقی، محمود، (۱۳۴۳)، بزه مزاحمت بانوان، مجله حقوق امروز، شماره ۳ و ۴.
 - ✓ نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۱)، تقریرات درس جامعه شناسی جنایی و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.